



نگاهی به پیشینه طولانی مراکز اقامتی زائران حرم رضوی

«زائرپذیرها» در حافظه ۱۲۰۰ساله شهر مشهد

مرضیه ترابی| تاریخ کاروانسراها در مشهد، قدمتی بیش از خود شهر دارد. پیش از آنکه مشهد حتی کمترین زیرساخت‌های مربوط به ایجاد یک شهرک را داشته باشد، یعنی در حوالی قرون سوم و چهارم، کاروان‌سراهایی برای اسکان زائران در اطراف حرم امام رئوف^(ع) ساخته شده بوده که باید آن‌ها را جد اعلای زائرسراهای روزگار خودمان بدانیم. ساخت این کاروان‌سراها در اطراف حرم مطهر، نه از سر سودخواهی که برای آسان شدن امر زیارت بود و از این منظر، بسیاری از زائرسراها، زیر حمایت نهاد وقف قرار داشت و موقوفه‌های ارزشمندی برای نگهداری و بقای آن‌ها درنظر گرفته شده بود. تأسیس نخستین کاروان‌سراها، هم‌زمان با آغاز سفرهای زیارتی، باعث به وجود آمدن مشاغل مربوط به آن در مشهد شد؛ به همین دلیل، باید مسافرخانه‌داری را از قدیمی‌ترین مشاغل مشهد بدانیم که مانند کاروان‌سرا، پیش از پدید آمدن شهر مشهد در این منطقه وجود داشته است. این کاروان‌سراها در رونق تجارت و تقویت اقتصاد زیارت شهر نیز مؤثر بودند.



نخستین زائرسراهای شناخته‌شده

خوشبختانه ردونشان کاروان‌سراهای نخستین را در مشهد، هم می‌توان در متون تاریخی و هم در متون روایی پیدا کرد. یکی از گزارش‌های مهم تاریخی در این باره که البته در متن یک کتاب حدیث، عرضه شده است و پیوندی استوار با پیشینه کاروان‌سراها در مشهد دارد، روایتی است که مآثر را با نام «ضامن‌آهو» می‌شناسیم. داستان «ضامن‌آهو»، درمیان عامه، روایتی منسوب به دوران حیات امام‌رضا^(ع) است، اما واقعیت چیز دیگری است. اصل این داستان به واقعه‌ای مربوط می‌شود که بیش از یک قرن بعد از شهادت امام‌رضا^(ع) در مشهد اتفاق افتاد و اگر یادتان باشد، یک بار به تفصیل و ضمن بیان داستان ارادت «ابومنصور محمدبن عبدالرزاق طوسی» به امام‌هشتم^(ع) در ستون «مشهدیات» به آن پرداختم. مطابق آن روایت، تعقیب یک آهو توسط ابومنصور تا حریم حرم رضوی و ورود آهو به حرم مطهر و سپس ناپدید شدن آن، باعث اعتقاد یافتن والی سامانی توس به حرم رضوی شد. در گزارش مربوط به این واقعه که

شیخ صدوق آن را مفصل در کتاب «عیون اخبارالرضا^(ع)» آورده است، شیخ -که رضوان خداوند بر او باد- ضمن نقل روایت، از قول ابومنصور می‌نویسد: «قَدْ خَلَّ الْعَزَّالُ جِجْرًا فِي حَائِطِ الْمَشْهَدِ قَدْ خَلَّتِ الْوَنَاطُ فُقُلْتُ لَأَبِي النَّصْرِ الْفَقْرَى أَيْنَ الْعَزَّالُ الَّذِي دَخَلَ هَاهُنَا الْآنَ؟» آهو به محدوده حرم پناه برد. من از اسب فرود آمدم و وارد آن مکان شدم و به ابی‌نصر مقری گفتم آهوایی که هم اکنون وارد این مکان شد، کجاست؟». در متن شیخ صدوق، به واژه کلیدی «رباط» اشاره شده است، واژه‌ای که ظاهراً ایرانی است. اما به زبان و ادبیات عرب هم راه یافته است. «رباط» را معمولاً کاروان‌سرا معنا می‌کنند. به دیگر سخن، حتی قبل از ارادت ورزی ابومنصور که تا پیش از این واقعه، به زیارت حرم رضوی و زائران آن، روی خوش نشان نمی‌داد، در اطراف حرم رضوی، کاروان‌سراهایی برای اقامت زائران ساخته بودند. این زمان تقریباً مقارن با سال ۳۲۰ قمری (۳۱۱ خورشیدی) است، ۱۱۷سال بعد از شهادت ثامن‌الحجج^(ع). اگر تاریخ حرم رضوی را هزارودویست‌ساله فرض کنیم، با روایت شیخ صدوق می‌توان نتیجه گرفت که از تأسیس نخستین کاروان‌سراهای اطراف حرم، بیش از ۱۱۰۰سال گذشته است.



کاروان‌سراهای مشهد در قرون چهارم و پنجم، به اقدامات ابوالحسن عراقی -که دست‌برقضا در تأمین آب موردنیاز زائران و نیز، احیای کاریز مشهد نقش مهمی ایفا کرد- محدود نمی‌شود. در این دوره که هم‌زمان با عصر طلایی تمدن اسلامی است، تلاش برای آبادانی مشهد، بسیار افزایش یافت و اسباب توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های خدماتی را در اطراف حرم رضوی فراهم آورد. گزارش بیهقی نشان می‌دهد که افرادی مانند «سوری‌بن معتز» نیز، در همان عهد غزنوی و معاصر با ابوالحسن عراقی، در توسعه این زیرساخت‌ها نقش داشتند. چندی قبل از آن، با استقرار عبدا...بن فائق خاصه -امیر مقتدر سامانی و سپس غزنوی که ریشه نسبی وی به «اندلس» می‌رسید- بر توس، کار توسعه و تأسیس اماکن اقامتی، شتاب بیشتری گرفته بود. به دستور وی، «بویکر شهرمد»، کدخدای منطقه سناباد و نوغان -که احتمالاً نام قدیمی روستا و مزرعه ابوبکرآباد در شمال مشهد قدیم، برگرفته از نام و مالکیت وی در این منطقه بوده است- اهتمام ویژه‌ای به این کار داشت. نباید از این نکته درگذریم که در همین دوره، رونق بازار مشهد بر کرانه جاده سناباد به نوغان و در مجاورت حرم مطهر که جغرافی‌دانانی مانند «مقدسی» در «احسن‌القاسیم» به آن اشاره می‌کنند، بر رونق ساخت کاروان‌سراهای مشهد تأثیر گذاشت و باعث گسترش آن‌ها شد.

عصر غزنوی و رونق ساخت کاروان‌سرا

ساخت کاروان‌سرا در اطراف حرم رضوی در قرون بعد، چنان‌که اشاره کردم، رونق خود را حفظ کرد. صد سال پس از گزارش شیخ صدوق، «ابوالحسن عراقی دبیر»، از کارگزاران و حکمرانان دربار غزنویان در دوره محمود و مسعود غزنوی، دست به فعالیت‌های عمرانی در اطراف حرم رضوی زد که ساخت کاروان‌سرا، بخشی از این اقدامات بود. عراقی در سال ۴۲۹ قمری (۴۱۶ خورشیدی) در غزنه وفات یافت و طبق وصیتش، پیکر او را به مشهد آوردند و در مسجد «بالاسر» حرم رضوی که خودش بانی آن بود، به خاک سپردند. ابوالفضل بیهقی، مورخ و نویسنده نامدار قرن پنجم، در کتاب «تاریخ بیهقی» به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «[ابوالحسن عراقی دبیر] وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی موسی‌الرضا^(ع) علیه‌السلام]. بردند به طوس و آنجا دفن کردند که مال این کار را در حیات خود بداده بود و کاریز مشهد را که خشک شده بود، باز روان کرده و کاروان‌سرای برآورده و دیهیی مستغل سبک خراج بر کاروان‌سرای و بر کاریز وقف کرده. و من در سنه احدی وثلثین که به طوس رفتم، با ریات منصور بیش‌که هریمت دندانتان افتاد، به نوقان رفتم و تربت رضارا... زیارت کردم، گور عراقی را دیدم در مسجد آنجا که مشهد است». با این حال، توسعه

عصر نظام‌الملکی

درباره نقش خواجه‌نظام‌الملک طوسی در رونق شهر مشهد، نشانه‌های درخور اعتنائی در تاریخ وجود دارد. او که بر مذهب شافعی بود و تخصصی سخت با اسماعیلیان داشت، در تکریم مشهد و حرم رضوی می‌کوشید. نقلی وجود دارد که حکایت از حضور شبانه وی، به‌همراه ملکشاه سلجوقی در حرم رضوی و با هدف تقویت روحیه وی برای ایستادن برابر مدعیان سلطنت در دودمان سلاجقه و تلاش برای ایجاد حکومت یکدست و گسترده بر ایران دارد. این دل‌بستگی برخی اهالی توس به مشهد رضوی، البته ریشه در نفوذ مذهب حقه جعفری در این منطقه داشته است؛ چنان‌که برخی از برجسته‌ترین علمای تاریخ تشیع، مانند شیخ طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی -که رضوان خداوند بر آن‌ها باد- از خطه توس برخاستند و در جوار حرم رضوی و در مدارس اطراف آن، مقدمات علوم اسلامی را فراگرفتند. از بحث درباره اقدام خواجه‌نظام‌الملک در توسعه مشهد دور نشویم. گفتم که وی در رونق این شهر، سهمی بزرگ داشت. یکی از اقدامات خواجه، تأسیس کاروان‌سرای فاخر در جوار حرم امام‌هشتم^(ع) بود. این کاروان‌سرا که در جناح غربی مسجد گوهرشاد فعلی قرار داشت، هنگام تأسیس مسجد جامع، تخریب شد و زمین آن به محوطه مسجد ملحق شد.



دوران شکوفایی عصر تیموری تا صفوی

توسعه اماکن اقامتی در مشهد، ظاهراً با هجوم مغولان به یک‌باره متوقف شده‌است. اما در قرون هشتم و نهم هجری، به دلیل نابودی برخی مراکز جمعیتی مهم بلوک توس، مانند تابران و به ورطه نیستی افتادن برخی دیگر، مانند نوغان و تمرکز جمعیت بیشتر در مشهد و رونق سفرهای زیارتی و ازسوی دیگر، توجه ویژه امرای تیموری، همچون شاه‌رخ، پسر تیمورلنگ، و همسر خیراندخت وی، گوهرشاد بیگم، به این مکان مقدس، تلاش گسترده‌ای برای رونق چنین مراکزی در شهر آغاز شد که به اعتقاد نگارنده، مشهد را به یک شهر کامل و دارای زیرساخت‌های موردنیاز تبدیل کرد. با آغاز دوره صفویه و رسمی شدن مذهب جعفری در ایران، مشهد بیش از گذشته در کانون توجه قرار گرفت و علاقه به رفاه حال زائران و تدارک سفری آسان و ایمن برای آن‌ها، باعث اهتمام گسترده به ساخت و توسعه کاروان‌سراها و مراکز اقامتی در شهر شد. آن‌گونه که اگر این دوره را، دوره نهضت ساخت کاروان‌سرا در مشهد بدانیم، سخنی به‌گزاف نگفته‌ایم. در این دوره، مراکز اقامتی بسیار زیبا و فاخری در مشهد ساخته شد که متأسفانه امروز تقریباً هیچ نشانی از

از شکوه عصر افشاری تا جافتادن الگوهای جدید

در دوره افشاریه، به‌ویژه دوران نادرشاه که مشهد پایتخت ایران شد، تأسیس مراکز اقامتی و کاروان‌سراهای مسافریپذیر در شهر افزایش بیشتری یافت. احتمالاً در همین دوره بود که خانه‌زاترها نیز به‌عنوان بخشی از ساختار اسکان زوار حرم رضوی، در شهر مشهد نهادینه شدند. درباره رونق چنین مکان‌هایی، اسناد زیادی وجود ندارد، اما ظاهراً رسم پذیرایی از زائران در منازل شهر مشهد، از دیرباز رسمی برقرار و مورد توجه بوده است که به‌تدریج، به‌عنوان شغلی ثابت در این شهر جا افتاد. خانه‌زاترها می‌توانست به‌ویژه در ایام شلوغ سال، بخشی از فضای موردنیاز سکونت زوار را تأمین کنند. در دوره قاجار، با وجود رکود اقتصادی و شرایط نامناسب امنیتی، کاروان‌سراهای زائرپذیر همچنان رونق خود را حفظ کردند. جیمز بیلی فریزر در سفرنامه خود، تعداد این کاروان‌سراها را ۵۲ ذکر می‌کند که معمولاً عمارتی باشکوه و زیبا داشتند و نسبت به زمان خودشان، از امکانات رفاهی مناسب برخوردار بودند. در دوران معاصر، به‌تدریج امکاتگاه‌های زائران با الگوهای نوین جایگزین شد و مهمان‌خانه‌های مدرنی مانند «مهمان‌خانه طوس» (در بالاخیابان) تأسیس شد که به‌تدریج فضای اماکن اقامتی را در مشهد تغییر داد.

تاریخ حرم

درباره سامان زوارخانه‌ها در سال ۱۳۱۰
اسکان زائر خورشید در اسناد



زینبی! از زمانی که پیکر مطهر امام‌رضا^(ع) در اراضی سناباد آرام گرفت و بقعه‌ای بر این مزار ساخته شد، زائران زیادی به قصد زیارت این امام همام، راهی این دیار شدند. اندک‌اندک خانه‌ها بر گرد حرم ساخته شد و حریم آن را گسترش داد. تاجایی‌که سناباد و نوغان را هم دربرگرفت و مشهدالرضا^(ع) نام گرفت. وقتی صحبت از زائر و مسافر می‌شود، سکونت آن در شهر مقصد، از نخستین دغدغه‌هایی است که به پیش می‌آید. هرکام شهری است، به‌ناچار باید دغدگی به حال چند روزی که در آن شهر به شب می‌رساند، بکند. بررسی اینکه روال اسکان زائران حرم رضوی از ابتدا تاکنون چگونه بوده‌است، داستان پردامنه‌ای است که پرداختن به آن، نیاز به پژوهش بیشتری دارد. اما آنچه روشن است، مسئله سکونت زائران، همیشه یکی از راه‌های کسب درآمد برای مجاوران مشهدی بوده‌است. تاجایی‌که بسیاری از افراد اتاق‌های منزل خودشان را به زائران اختصاص می‌داده‌اند و برای آن وجه دریافت می‌کرده‌اند.

● نظام‌نامه‌ای برای زائران

آن زمان (دهه نخست قرن چهارده خورشیدی)، بیشتر شدن شمار زائران و تعداد خانه‌های زائرپذیر، مسائل و مصائب زیادی را برای این شهر و بلدیة آن به‌وجود آورده بود. بلدیة قرار بود اوضاع شهر را سامان بدهد و برای معضلات آن راه‌حل بدهد. اما بی‌سروسامانی زائران در این شهر و نداشتن یک آمار معلوم از آن‌ها، مانع از این اتفاق می‌شد، شهر ممکن بود با هجوم زائران در ایام مشخص، دچار چالش‌هایی مانند کم‌آبی یا کم شدن مایحتاج عمومی شود. همیشه شکایت‌های زیادی هم از زائران به بلدیة می‌رسید که خود یک مشکل مضاعف برای آن بود. حضور مشتاقان زیارت حضرت رضا^(ع) برای این شهر، یک برکت همیشگی بوده‌است که در آن روزگار باید مدیریت می‌شد تا موجب رفاه و آسایش مجاوران و زائران شود. نبود بهداشت در زوارخانه‌هایی که آمدورفت مسافران در آن زیاد بود، نیز خودش یک معضل جدی برای شهر بود که باعث گسترش بیماری‌های واگیردار می‌شد. در سال ۱۳۱۰ بلدیة تصمیم می‌گیرد نظام‌نامه‌ای را برای زوارخانه‌ها و زائران بنویسد. این نظام‌نامه با امضای محمد هادی، رئیس بلدیة وقت، به دست همه افرادی که با زائران سروکار دارند، می‌رسد تا نخستین گام برای سامان‌دهی اسکان زائران برداشته شود.

● برای زوارخانه، مجوز بگیرید

کسب اجازه‌کتابی برای افرادی که زوارخانه دارند یا می‌خواهند محل اسکان زائران آنجا تأسیس کنند، نخستین بندی است که در این دستورالعمل بر آن تأکید می‌شود. در گام بعدی، بلدیة دست روی نکته دقیق‌تری می‌گذارد و از افرادی که می‌خواهند محلی اختصاصی برای این امر بسازند، تقاضا می‌کند که نقشه ساختمان آن را به اداره بلدیة ارسال کنند. این نقشه باید به تصویب بلدیة برسد و سپس با گرفتن اجازه از این نهاد، شروع به ساختن آن کنند تا نخستین مجوزهای ساخت‌وساز شهرداری در آن سال‌ها صادر شود. هر شش ماه یک‌بار، پیکر زوارخانه‌ها موظف می‌شوند عمارت خود را تعمیر و اتاق‌هایی را که نمره‌دار کرده‌اند، سفید و تمیز کنند. خفه شدن کودکان در حوض یا آب‌انبار، یکی از تیرت‌های همیشگی حوادث دران زمان‌است که مسئله‌ساز است، مسدود شدن آب‌انبار، موضوع دیگری است که باید آن را رعایت کنند تا یکی دیگر از معضلات در زندگی قدیم جلوگیری کند. نصب معجر (نرده) نیز در پنجره‌های اتاق‌های مشرف به کوچه و حیاط و ایوان، برای پیشگیری از افتادن اطفال باید انجام می‌شد. طبخ غذا با هیزم و زغال نیز در اتاق مسکونی زوار ممنوع شده بود تا از آتش‌سوزی و خفگی و مشکلات دیگر پیشگیری شود. همچنین روشن کردن اتاق زائر، یک موضوع حادثه‌ساز بود که به همین دلیل سوزاندن چراغ‌های دودی از قبیل چراغ‌موشی و روغن‌کرچکی در اتاق ممنوع شده بود.

● نظافت: از شروط اصلی زوارخانه



این نظام‌نامه به آب‌خواری زائران نیز توجه می‌کند. مدیر زوارخانه مکلف می‌شود آب تمیز و بر طبق دستور طبیب صحی تهیه‌وجزئیات تأمین آب سالم را نیز با طبیب صحیه هماهنگ کند. آشپزخانه، فضای اقامتی، سطح حیاط و اتاق‌ها باید روزی دوم‌تبره جارو و تنظیف شود و خاک‌روبه‌های آن را نیز نباید در منزل نگهداری کنند. هر روز حداقل یک‌بار باید خاک‌روبه‌ها به خارج از منزل حمل شود و همچنین برای آن، باید یک‌طرف مخصوص (چیزی شبیه سطل زباله امروزی) داشته باشند. دستشویی زوارخانه نیز باید نظافت شود و حتماً باید منبع آب با شیر داشته باشد و همچنین با پوشیدن آهک یا دودیۀ ضد عفونی، مانع از گسترش بیماری‌شویند. بیماری‌های واگیر و همه‌گیر آن زمان، یکی از مشکلات جدی شهر مشهد بود که باعث تلفات بسیاری می‌شد. از مسائل مهمی که در این نظام‌نامه به آن توجه شده‌است، ورود اشخاص بیمار به زوارخانه‌است. صاحب‌خانه‌واری باید هروقت فرد بیماری‌را پذیرش می‌کرد، فوراً موضوع را به اطلاع طبیب صحی ناحیه یا دایرۀ صحیه بلدیة می‌رساند. همچنین نگهداری چهارپایانی از قبیل اسب و الاغ و گوسفند و نیز طیور، مانند کبوتر و امثال آن، در زوارخانه و نزدیک به آن، ممنوع شده بود.

توضیح

تصاویر

کاروان‌سراهای

بین راهی

تهران تا

خراسان در

دوره قاجار

۴شنبه

۲۰ دی ۱۴۰۲
۲۷ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۲۱۲۰

۱۵

↓

تاریخ و هویت